

مطالعه پدیدارشناختی ادراک نوجوانان پسر از عشق

تاریخ دریافت مقاله: 1403/4/18 تاریخ پذیرش نهایی: 1403/8/10

منصوره نیکوگفتار^{1*}، علی پیرحیاتی²، منزه مرادی³

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: عشق، بخشی جدایی‌ناپذیر تجربه انسانی است. ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های عشق به طور گسترده در فرهنگ عامه، کتاب‌های خودیاری و پژوهش‌های دانشگاهی مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند. حضور یا فقدان عشق می‌تواند تأثیرات نیرومندی بر رضایت افراد از رابطه با جنس مخالف و سلامت روانی آنها به طور کلی داشته باشد. هر چند عشق رمانتیک ابتدا در دوره نوجوانی ظهور و بروز پیدا می‌کند، اطلاعات چندانی راجع به برداشت‌های فردی از عشق در میان دختران و پسران در طول دوره نوجوانی و بعد از آن در دست نیست. پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه عشق رمانتیک در میان نوجوانان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی استعلایی (موستاکاس، 1994) صورت گرفت. جامعه مورد پژوهش از بین نوجوانان پسر 17 تا 19 ساله ساکن شهر تهران در بهار 1400 که تجربه رابطه رمانتیک داشتند، با استفاده از نمونه‌برداری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و با 12 مصاحبه تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های باز و نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شد و با روش کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: پس از کدگذاری داده‌ها، یافته‌ها در پنج مقوله اصلی (میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، هویت و خودشناسی) و هفده مقوله فرعی به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش، منجر به کشف الگویی از تجارب انسانی در دوره نوجوانی، فهم چگونگی پدیده عشق در میان نوجوانان و شناخت بیشتر این گستره از تحول شد.

کلمات کلیدی: ادراک از عشق، نوجوانان پسر، مطالعه پدیدارشناختی.

1. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: m.nikoogoftar@pnu.ac.ir

2. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

3. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علم پزشکی آزاد اسلامی، قم، ایران.



A Phenomenological Study of Male Adolescents' Perceptions of Love

Received: 2024/07/08

Accepted: 2024/10/31

Mansooreh Nikoogoftar^{1*}, Ali pirhayati², Monazzah Moradi³

Original Article

Abstract

Introduction: Love is a fundamental aspect of human experience, extensively explored in popular culture, self-help literature, and academic research. Its presence or absence significantly influences relationship satisfaction with the opposite sex and overall mental health. Although romantic love typically emerges during adolescence, limited research exists on how adolescents, particularly boys, perceive this phenomenon. This study investigates the lived experiences of romantic love among male teenagers.

Method: This qualitative study adopted a transcendental phenomenological approach (Moustakas, 1994). Participants were purposively sampled from boys aged 17–19 living in Tehran in spring 1400 (March–June 2021), who had experienced a romantic relationship. Sampling continued until data saturation was achieved, resulting in 12 semi-structured, open-ended interviews. Data were analyzed using Colaizzi's method.

Results: Analysis revealed five main themes—desire for new experiences, physical and psychological attractiveness, body counting, lack of commitment, and identity and self-knowledge—encompassing seventeen subcategories.

Discussion: These findings illuminate a pattern of human experiences during adolescence, enhancing understanding of the phenomenon of romantic love among male teenagers and shedding light on this transformative developmental stage.

Keywords: Perceptions of Love, Male Adolescents, Phenomenological Study.

1. Associate Professor, Psychology Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

*Corresponding author: m.nikoogoftar@pnu.ac.ir

2. M.A. in Psychology Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. M.A. in Psychology Department, Islamic Azam University, Qom, Iran

مقدمه

عشق، بخشی جدایی‌ناپذیر تجربه انسانی است. ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های عشق به طور گسترده در فرهنگ عامه، کتاب‌های خودیاری و پژوهش‌های دانشگاهی مورد شرح و بسط قرار گرفته‌اند. حضور یا فقدان عشق می‌تواند تأثیرات نیرومندی بر رضایت افراد از رابطه با جنس مخالف و سلامت روانی آنها به طور کلی داشته باشد. پژوهشگران حوزه عشق نشان داده‌اند که عشق، نه تنها به موازات پیش رفتن رابطه، بلکه بسته به گروه‌های سنی گوناگون، تجربه و بیان متفاوتی می‌یابد. هر چند عشق رمانتیک ابتدا در دوره نوجوانی ظهور و بروز پیدا می‌کند، اطلاعات چندانی راجع به تصورات فردی از عشق در میان دختران و پسران در طول دوره نوجوانی و پس از آن در دست نیست. توجه به برداشت از عشق در طول نوجوانی تنها حدود دو دهه سابقه دارد. برای درک بهتر شکل‌گیری روابط رمانتیک لازم است بررسی کنیم که دختران و پسران، عشق را در اولین روابط رمانتیک چگونه می‌بینند و این برداشت‌ها در مقایسه با برداشت‌های زنان و مردان در مراحل بعدی زندگی چگونه هستند (سامتر، والکنبرگ و پیتر¹، 2013).

پژوهشگران اعم از ایرانی و غیرایرانی عموماً دارای نظرات منفی نسبت به روابط رمانتیک در دوره نوجوانی هستند و آن را مرتبط با عواملی مثل درگیری با والدین، افسردگی، خشونت بین فردی، عدم موفقیت در مدرسه، مصرف مواد مخدر و ارتکاب جرم می‌دانند. این عوامل به طور خاص در محیط فرهنگی و سیاسی ایران که تا همین اواخر نگاهی کاملاً منفی به این روابط داشته است، طبعاً پررنگ‌تر خواهد بود. با این حال، برخی پژوهشگران (مانند مک‌کارتی و کیسی²، 2008) معتقدند که جنبه‌های دیگر این روابط می‌تواند پیامدهای مثبتی نیز به همراه داشته باشد. یکی از پیامدهای مثبت و مهم، پر کردن شکاف میان وابستگی به والدین و شروع زندگی بزرگسالی است. همچنین برخی از پژوهش‌ها (نظیر کونولی، شولمن و بنونوتو³، 2023؛ بک مایر و وایبرایت⁴، 2020) نشان می‌دهد این روابط همچنین باعث بهبود یا تقویت استقلال، خودآگاهی و رضایت جنسی و روابط بین فردی می‌شوند.

چنان‌که روند یافته‌های پژوهش‌ها در دو سه دهه اخیر نشان می‌دهد، پیش‌فرض‌ها و برداشت‌های نوجوانان نسبت به رابطه رمانتیک در همین فاصله نسبتاً کوتاه، به صورت چشمگیری تغییر کرده است. مثلاً لوسک⁵ (1993) تجربیات عاشقانه بیش از سیصد نوجوان را برای شناسایی همبستگی‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های روابط عاشقانه رضایت‌بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و یافته‌ها نشان‌دهنده شباهت‌های جالب بین رابطه نوجوان و بزرگسال از نظر تعهد، ارتباط، همراهی و اشتیاق بود. این در حالی است که پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد روابط نوجوانان از قرارگذاری عاشقانه⁶ به سمت روابط جنسی بی‌تعهد⁷ (بروکس⁸، 2020) و از شور عاشقانه⁹ به سمت روابط نمایشی و رسانه‌ای حرکت کرده است (تابا¹⁰ و همکاران، 2020؛ واترلاس، تولین، پورتر و بکرت¹¹، 2018)، بنابراین به نظر می‌رسد که روابط عاشقانه در حال حاضر متفاوت از گذشته است.

1. Sumter, Valkenburg & Peter
2. Mccarthy & Casey
3. Connolly, J., Shulman, S., & Benvenuto
4. Beckmeyer & Weybright
5. Levesque
6. Dating
7. Hook-Up
8. Brooks
9. Passion
10. Taba
11. Waterlaus, Tulane, Porter, & Beckert

با توجه به تغییر روابط عاشقانه و نیز از آنجا که هیچ تحقیق دیگری به بررسی تجارب زیسته نوجوانان ایرانی از نگاه پدیدارشناختی نپرداخته است و حتی به طور کلی پژوهش‌های کیفی در حوزه نوجوانان اندک است (ابدالی آقاگلی و امینی‌ها 2021؛ تقوی، آزادفلاح، موتابی و طلایی 2014)، این پژوهش با هدف شناسایی ادراک نوجوانان از عشق شکل گرفت.

روش

روش پژوهش کیفی پدیدارشناختی استعلایی موستاکاس (1994) بود که با الهام از هوسرل و کلایزی رویکرد مخصوص خود را برگزید. این رویکرد بیشتر بر تجربه شرکت‌کنندگان متمرکز است تا بر تفسیرهای پژوهشگر (هومسات، 2016). جهت شناسایی نمونه‌هایی با شرایط مورد نظر، از کارکنان و مشاور یکی از مدارس منطقه 11 شهر تهران و همچنین از خود دانش‌آموزان برای معرفی نوجوانان دارای تجربه رابطه رمانتیک استفاده شد. بعد از شناسایی، برای مشارکت‌کنندگان، ضمن تشریح هدف اصلی پژوهش، به آنان اطمینان خاطر داده شد که مصاحبه به صورت محرمانه بوده و تمام نتایج فقط در چارچوب کار پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، دوازده نوجوان در دامنه سنی 17 تا 19 سال که تجربه رابطه رمانتیک داشتند تعیین شدند و هماهنگی جهت مصاحبه انجام شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان پژوهش به ترتیب 18/41 و 4/06 سال به دست آمد. پنج نفر از این افراد دارای دیپلم، دو نفر در پایه یازدهم، دو نفر در پایه دوازدهم و سه نفر سال اول دانشگاه بودند. برای مصاحبه با گروه نمونه، از پروتکل مصاحبه باز و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. به منظور حفظ تعهد اخلاقی در عدم افشای نام افراد نمونه، نقل قول‌ها با استفاده از اسامی مستعار ذکر شده‌اند.

دو پرسش اصلی مصاحبه در تحقیق حاضر این بود: چه احساسات، افکار و رفتارهایی با عشق دوره نوجوانی همراه است؟ (سوال بافتی اصلی) و چه عواملی در عشق نوجوانی نقش دارد؟ (سوال ساختاری اصلی). ترکیب توصیفات بافتی و ساختاری درک عمیق‌تری از پدیده ارائه می‌دهد. پس از تکمیل مصاحبه‌ها، متن گفته‌ها با دقت بررسی شد. سپس داده‌ها با ایجاد نمایه‌های تک تک شرکت‌کنندگان سازماندهی شد. هر نمایه از یک خلاصه کوتاه تشکیل شده بود و شامل اطلاعاتی از یادداشت‌های زمان مصاحبه، اطلاعات شرکت‌کنندگان و نکات برجسته مصاحبه بود.

هدف این بود که شرکت‌کنندگان و تجربیات زندگی‌شان شناخته شود و روشی مختصر برای سازماندهی داده‌ها در بین 12 شرکت‌کننده در دست باشد. سپس کدگذاری داده‌ها آغاز شد. روش کدگذاری به روش سنتی تحلیل محتوا بود که در آن مضامین با توجه به کدها و دسته‌بندی داده‌ها شناسایی می‌شود. در تحلیل محتوا به روش سنتی، دسته‌بندی کدگذاری مستقیماً از داده‌های متنی مشتق می‌شود. اطلاعات جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها بدون پیش‌فرض به نقل قول‌ها یا عبارات تقلیل یافت، دسته‌بندی شد و در قالب مقوله قرار گرفت.

یافته‌ها

هدف اصلی تحقیق حاضر، تبیین تجربه عشق رمانتیک در نوجوانان بود که با هدف دستیابی به بینش عمیق راجع به پدیده عشق صورت گرفته است. مضامین به دست آمده از گفته‌های نوجوانان، بر اساس تجربه زیسته آنهاست. مقوله‌های مورد نظر از عبارات‌ها، کلمه‌ها و جمله‌های مصاحبه‌ها استخراج شدند و پس از ادغام مقوله‌ها و پالایش مصاحبه‌ها، پنج مقوله اصلی (میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، هویت و خودشناسی) و هفده مقوله فرعی از مجموع آنها به دست آمد، به گونه‌ای که کلیه مقوله‌های استخراج شده، با هم در ارتباط بوده و الگویی از تجارب انسانی نوجوانان را آشکار ساخته است و به فهم چگونگی پدیده عشق در میان نوجوانان کمک می‌کند. نتایج در جدول 1 آمده است.

جدول 1. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک از عشق

مقوله‌ها	زیرمقوله 1	زیرمقوله 2	زیرمقوله 3	زیرمقوله 4
1. میل به تجربه‌های نو	کنجکاوی	امید/گشودگی به هیجان	خلاقیت	استقلال از خانواده
2. جذابیت جسمی و روانی احترام		حس ارزشمند بودن یا مفید بودن	خودشکوفایی	
3. دم‌غنیمت‌شماری	لذت بردن از دلخوشی‌های کوچک	مبهم بودن آینده	عبرت	
4. عدم تعهد	عدم شتاب	فاصله مکانی	ازدواج سفید	
5. هویت و خودشناسی	شناخت تازه از خود	حس مسئولیت	تفکر مثبت	

1- **میل به تجربه‌های نو** یکی از مضامین در نوجوانان شناخته شد. این مقوله به‌عنوان یکی از «پنج عامل بزرگ شخصیت» تعریف شده است (کاستا و مک‌کری، 2008). افرادی که دارای این ویژگی شخصیتی باشند نوعی کنجکاوی ذاتی دارند که به آنها اجازه می‌دهد نگرش‌های نوآورانه و منحصربه‌فرد خود را در زندگی به‌کارگیرند و آینده خود را همراه با امید و امکانات مثبت ببینند و با استفاده از واکنش‌های عاطفی و شناختی نسبت به موقعیت‌های خاص، راه‌حل‌های خلاقانه برای چالش‌های زندگی خود بیابند. کنجکاوی، امید/گشودگی به هیجان، خلاقیت و استقلال از خانواده، موضوعات فرعی مقوله اول بودند. مفهوم کنجکاوی به‌عنوان منبع انگیزه، یادگیری و توسعه عمیقاً در تاریخ روان‌شناسی بسیار مورد مطالعه قرار گرفته است. مانند بسیاری از جنبه‌های انگیزش انسان، کنجکاوی، هم به‌عنوان یک حالت و هم به‌عنوان یک ویژگی مورد بررسی قرار گرفته است.

کنجکاوی: در گفته‌های بسیاری از شرکت‌کنندگان وجود داشت. مثلاً صادق می‌گوید: از به زمانی به بعد فکر آدم خیلی درگیر میشه. همه‌ش به دخترا فکر می‌کنی، حتی موقع درس خوندن. میلاد می‌گوید: اتفاقاً خیلی‌ها میگفتن از درست می‌افتی و باید وقت بذاری و ... ولی من می‌خواستم تجربه‌ش کنم.

امید/گشودگی به هیجان: زیرمقوله دوم است که حداقل از دهه 1950 در رشته‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است، زیرا محققان تلاش کرده‌اند تا ارتباط بین عملکرد انسان و این ساختار به‌ظاهر حیاتی و در عین حال اغلب انتزاعی را توصیف، توضیح و پیش‌بینی کنند. برخی تحقیقات (برای نمونه اشمید و لوپز 2011) به نقش امید در مقابله با استرس، تنظیم هیجان و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی در بین نوجوانان اشاره می‌کند. علاوه بر این، امید اخیراً در پژوهش‌های پرستاری با توجه به پتانسیل آن برای بهبود کیفیت زندگی در بیماران سرطانی نوجوان مورد توجه قرار گرفته است (اشمید و لوپز 2011). در مصاحبه‌ها، مفهوم امید در دو جنبه متفاوت به کار می‌رفت. یک جنبه، پیش از آشنا شدن با جنس مخالف و درگیر شدن در رابطه بود و در این وضعیت، امید به معنای امید به برقراری ارتباط با جنس مخالف بود. در حالت دیگر، پس از آنکه رابطه شکل گرفت، امید به معنای انتظار معاشرت با جنس مخالف بود. مثلاً آرمان می‌گوید: توی دل آدم یه چیزی به وجود میاد دیگه. از بچگی حتی فیلم‌هایی که می‌بینیم نشون میده که انگار هدف از زندگی عشقه. آدم باید کسی رو پیدا کنه که دوستش داشته باشه. او در بخش دیگری از گفته‌هایش می‌گوید: انگار دوستم که دیگه نزدیکه پیداش کنم. وقتی هم بار اول دیدمش همون چیزایی که قبلاً فکر می‌کردم دوباره برام یادآوری شد.

سجاد می‌گوید: خیلی چیزا توی ذهنم بود که باید بهش می‌گفتم. به کسی دیگه نمی‌تونستم بگم. اینقدر حرف داشتم که موم نمی‌شد... هنوز هم خلیاشو نگفتم. اصلاً وقت نمی‌شه که بگم... اونم خیلی حرفا داره که به من بگه.

خلاقیت: مفهومی پویا است که در مجموعه وسیعی از تلاش‌های انسان کاربرد دارد. اگرچه در نحوه تفکر افراد در مورد خلاقیت تفاوت‌هایی وجود دارد، محققان خلاقیت (به نقل از ون درزندن، مایر و بگتو، 2020) عموماً موافق هستند که تعیین خلاقیت بر اساس ترکیب دو ویژگی کلیدی است: خلاقیت ترکیبی از اصالت (جدید بودن، تازگی) و مفید بودن (ارزش، معناداری)

است که در درون یک زمینه خاص تعریف شده‌است. در حالی که کودکان خردسال از قوانین معلمان خود پیروی می‌کنند، نوجوانان اغلب مایلند قوانین را به نفع افزایش حقوق خود بشکنند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد چگونه همسالان می‌توانند نوجوانان را به دلیل ترس از عواقب منفی (مثلاً عدم تأیید و طرد شدن) از پذیرفتن نقش خاصی منع کنند. میل شدید به تعلق اجتماعی در دوران نوجوانی می‌تواند منجر به تطبیق رفتار جوانان با رفتار افرادی شود که (می‌خواهند) خود را با آنها در یک گروه قرار دهند. این می‌تواند پیامدهایی برای رشد هویت خلاق آنها داشته باشد (ون درزندن، مایر و بگتو، 2020). گفته‌های نوجوانان در تحقیق حاضر حاکی از مقولهٔ خلاقیت بود. حسن می‌گوید: توی گروه واتسپ [دانشگاه] به بعضی دخترا پیام دادم. سعی کردم علایق مشترک پیدا کنم. به بعضیاشون دروغ هم می‌گفتم که به فلان چیز علاقه دارم... بالاخره دخترا هم دوست داشتن با کسی آشنا بشن... شرایط سختی بود [خنده]... البته به این کسی که الان باهاش هستم دروغ نگفتم... [خنده] فکر می‌کنم نقشهٔ بدی نیست. آرش می‌گوید: توی کلاس زبان آشنا شدیم... گفتم بیا مکالمه کار کنیم... حسین می‌گوید: می‌خواستم کسی رو پیدا کنم که [مثل خودم] به شعر و ادبیات علاقه داشته باشه... یه گروه تلگرامی زد... وقت گذاشتم که تیکه‌های [قطعات ادبی] مناسب پیدا کنم...

استقلال از خانواده: یکی دیگر از زیرمقوله‌ها بود. نوجوانی خصوصاً در کشورهای اروپایی و آمریکایی اصولاً به مرحلهٔ گذار از خانواده به سمت استقلال تعریف می‌شود و این یکی از ویژگی‌های اصلی نوجوانی است. در ایران و سایر کشورهای روبه‌توسعه، فرایند استقلال از خانواده دیرتر صورت می‌گیرد، اما به هر حال، احساس نیاز به استقلال در نوجوانان به چشم می‌خورد. مثلاً رضا می‌گوید: ...کسی توی خانواده نبود که حس خوبی بهم بده...

می‌لاد می‌گوید: پدر و مادر بیشتر باعث ناامیدی میشن... باید شرایط تغییر کنه... آرمان می‌گوید: نه با خانواده مشکلی نداشتم... ولی دیر یا زود آدم باید کس دیگه‌ای رو پیدا کنه...

2- جذابیت جسمی و روانی مقولهٔ دوم بود که برای همهٔ نوجوانان وجود داشت. جذابیت را می‌توان به صورت انگیزه‌های انسانی به منظور رفع نیازهایی مانند امنیت فیزیکی، عشق/تعلق، احترام و خودشکوفایی تعریف کرد. مازلو (2014) معتقد است که فرد سالم، صرفاً برای رفع نیازها و رفع خلاها تلاش نمی‌کند. همهٔ نوجوانان این تحقیق به جذابیت پارتنرهای خود و نیاز به عشق، احترام و خودشکوفایی اشاره کردند.

احترام: مثلاً آرش می‌گوید: همهٔ ویژگی‌هامو دوست داره... رفتارهامو می‌پسنده... سیاوش می‌گوید: واسه هر تصمیمی چه کوچیک چه بزرگ اول اونو در نظر می‌گیرم. سهیل می‌گوید: شرایط منو درک می‌کنه... حرفامو می‌فهمه...

ارزشمندی و مفید بودن: صادق می‌گوید: ازش خوشم میاد و اونم از من خوشش میاد. خیلی جاها با هم رفتیم... به اون خوش گذشت و به من هم خوش گذشت... حس می‌کنم وقتی پیشش خوبم.

می‌لاد می‌گوید: توی حرفاش می‌فهمم که منو تکیه‌گاه میدونه...

خودشکوفایی: سهیل می‌گوید: یه مرحله توی زندگیم جلوتر رفتم... آرمان می‌گوید: [پارتنر قبلی] می‌گفت تو مشکل داری و رفتارت نرمال نیست... ولی حالا می‌دونم که همه چی خوبه. حسن می‌گوید: با میل بیشتری درس می‌خونم...

3- دم‌غنیمت‌شماری، به معنای لذت بردن از لحظهٔ حال یکی دیگر از مقوله‌ها بود. با توجه به اینکه در زمان انجام این تحقیق، بیش از یک سال از شیوع بیماری همه‌گیر کووید 19 می‌گذشت و میزان مرگ‌ومیر افراد بر اثر این بیماری بالا بود، می‌توان شرایط بیماری را از جمله عوامل تأثیرگذار بر چنین مقوله‌ای دانست. از طرف دیگر، تغییر الگوهای رابطه و وضعیت زندگی مشترک از نگاه نوجوانان را نیز باید در رابطه با شناخت بیشتر این ویژگی در نظر گرفت. بدیهی است که این مقوله، گرچه شباهت‌های ظاهری با مفهومی که در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی (و در ادبیات سایر زبان‌های جهان) تحت عنوان «دم‌غنیمت‌شماری» مطرح می‌شود، تفاوت‌های اساسی دارد و حاصل شرایط زندگی در جهان مدرن است. می‌لاد می‌گوید: از

وقتی که برای همدیگه می‌گذاریم و با همدیگه سپری می‌کنیم راضی هستیم... مهم‌ترین چیز زمان و نحوه ادامه رابطه در طول زمانه. محمد می‌گوید: من اصلاً توی برنامه‌ریزی ضعیفم... برای یک ساعت دیگه هم نمی‌تونم برنامه داشته باشم...
لذت بردن از دلخوشی‌های کوچک: میثم می‌گوید: همین که یکی دو ساعت با هم حرف می‌زنیم روحیه‌م کلاً عوض میشه...

سجاد می‌گوید: روزش رو برام تعریف میکنه... خیلی کیف می‌ده. صادق می‌گوید: خب خیلی وقته ندیدمش... ولی همین که کسی هست که هر روز حالت رو بپرسه به آدم انرژی می‌ده... خیلی‌ها این رو ندارن.

مبهم بودن آینده: آرش می‌گوید: با مملکتی که ما داریم، هیچی مشخص نیست [خنده]... فعلاً که با هم خوشیم. سجاد می‌گوید: بهش میگم از کجا معلوم فردا چی میشه. الان دایی من تو کماست [ابتلا به کرونا]... خب ما هم همینیم. سیاوش می‌گوید: ازدواج؟ [خنده] نه بابا... بعیده که ما با هم ازدواج کنیم. میلاد می‌گوید: پشیمونم که زودتر با یکی دوست نشدم... پسرعموم سی و چهار سالشه با کسی هم دوست نیست... بهش میگم خاک بر سرت.

عبرت: «عبرت» را به معنی درس گرفتن از زندگی دیگرانی معنا می‌کنیم که از لحظات کنونی زندگی خود استفاده نکرده‌اند. آرمان می‌گوید: مامان بابای ماها این همه سختی کشیده‌ن آخرش هم هیچ. همیشه منتظر فردا بودن... حالا دیگه من نمی‌خوام منتظر فردا بمونم. حسین می‌گوید: این همه آدم پولدار که بلد نیستن از زندگی خودشون لذت ببرن... بدون دلخوشی زندگی میکنن. دایی من مائشین آخرین مدل زیر پاشه، ولی میگه یک روز [ادامه‌ی] زندگی هم برام سخته. میلاد می‌گوید: حالا پسرعموی من این همه عمرش بدون عشق گذشت... آخرش چی.

4- **عدم تعهد** یکی دیگر از مقوله‌هایی بود که تقریباً در همه موارد دیده شد. به نظر می‌رسد نوجوانان مشارکت‌کننده در این پژوهش تمایل دارند به پارتنر خود وابسته یا متعهد نشوند. این مقوله را می‌توان نشان‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی سریع در ایران دانست. در سال‌ها و دهه‌های گذشته، حداقل بسیاری از دختران از سنین نوجوانی به تشکیل زندگی مشترک فکر می‌کردند، اما چنان که تحقیقات معاصر نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر، روابط ناپایدار دوستی میان دختران و پسران و گسترش پدیده‌هایی مثل ازدواج سفید یا هم‌باشی، نمودی از این تغییر نگاه است.

عدم شتاب: آرش می‌گوید: هیچ‌کدوممون تصمیمی برای ازدواج نداریم. محمد می‌گوید: عشق نه، ولی قلباً مطمئنم دوستش دارم... برای اینکه بگم عشق هنوز زوده به نظرم. صادق می‌گوید: در حدی که آسیبی به رابطه و خودمون وارد نشه. زیاد در حد نرمال نه زیاد افراطی و اغراق‌آمیز. حسین می‌گوید: متوجه نمی‌شم وابستگی برای چی؟ هنوز یک سال نشده که با همیم.

فاصله مکانی: حدود نیمی از نوجوانانی که با آنها صحبت کردیم، اظهار داشتند که پارتنر خود را به‌طور مداوم نمی‌بینند و در برخی موارد هم پارتنر آنها در شهر دیگری سکونت داشت که بخشی از دلیل آن مربوط به شرایط کرونا بود. مثلاً آرمان می‌گوید: الان چهار ماهه [همدیگه رو ندیدیم]... حسن می‌گوید: به خاطر کرونا دانشگاه تعطیل شد... از حدود پنج ماه پیش [ندیدمش]... صادق می‌گوید: خب باید با اتوبوس برم. یک روز کامل توی راه باید باشم...

ازدواج سفید: شرکت‌کنندگان در مورد وضعیتی که برای آینده از نظر آنها قابل تصور است به شرایطی مثل ازدواج سفید یا هم‌باشی اشاره کردند. آرمان می‌گوید: اگر پول داشتیم فعلاً به خونه اجاره می‌کردم با هم می‌رفتیم اونجا. حسن می‌گوید: شاید هم‌خونه بشیم... میلاد می‌گوید: قبل از ازدواج، باید زیر یه سقف با هم زندگی کنی تا متوجه بشی... [برای ازدواج] خیلی زوده... باید شناخت بیشتر بشه.

5- **هویت و خودشناسی:** اریکسون بحران دوره نوجوانی (یازده تا نوزده سالگی) را «هویت در برابر سردرگمی» می‌داند. مهم‌ترین پرسش وجودی و هویتی پیش روی نوجوان آن است که «چه کسی هستم و چه کسی خواهم شد؟» نوجوانان تدریجاً

معنایی از هویت برای خود می‌سازند و برداشتی از اینکه چه کسی هستند و زندگی آنها به کجا خواهد رسید، به دست می‌آورند. همین برداشت و معناست که بسیاری از تصمیمات آنها را شکل می‌دهد (جلالی، برجلی، عسگری، اسکندری و سهرابی، 2022).

شکل‌گیری هویت یک امر مهم در نوجوانی است. از نوجوانان انتظار می‌رود به دنبال توسعه اهداف آموزشی و حرفه‌ای باشند و در عین حال تصویری از آنچه هستند و می‌خواهند باشند شکل دهند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که یک هویت نسبتاً واضح و پایدار باعث می‌شود افراد در پیگیری تصمیم‌های مهم زندگی انعطاف‌پذیرتر، متفکرت‌تر و مستقل‌تر شوند و در همان حال حس شایستگی را ارتقا می‌دهد. با این حال، استدلال شده است که ایجاد یک هویت روشن و پایدار به دلیل فرایندهای فردی شدن، رهایی و مهاجرت به طور فزاینده‌ای چالش برانگیز شده است (ورهون، پورتویس و وولمن، 2019).

اریکسون (1959؛ به نقل از کروگر، مارتینوسن و مارسیا، 2010) فرایند شکل‌گیری هویت در نوجوانی را به‌عنوان یک فرایند آهسته‌آهسته رشد من¹ توصیف می‌کند که در آن هویت‌های دوران کودکی به تدریج با پیکربندی جدیدی که چیزی فراتر از مجموع اجزای آن است جایگزین می‌شود. شکل‌گیری هویت در نهایت از جایی آغاز می‌شود که سودمندی هویت‌های قبلی به پایان می‌رسد. این امر از انکار گزینشی و جذب متقابل هویت‌های دوران کودکی در یک پیکربندی جدید ناشی می‌شود که به نوبه خود به فرایندی بستگی دارد که جامعه طی آن، نوجوان را به بخشی از خود تبدیل می‌کند. از نظر اریکسون، تبلور اولیه هویت در دوران کودکی رخ می‌دهد. با این حال، در دوران نوجوانی، شکل جدیدی از هویت پدیدار می‌شود که در آن این هویت‌های دوران کودکی غربال، فرعی‌سازی، و تغییر داده می‌شوند تا پیکربندی هویت جدیدی تولید شود. این مقوله شامل زیرمقوله‌های زیر است:

شناخت تازه از خود: آرش می‌گوید: مسئله اینه که اون ارزش روانی و معنوی که برای من داره خیلی خیلی بالاتر و متفاوت‌تر از چیزیه که قبلاً داشتم.

آرمان می‌گوید: مدتی با یه شخص دیگه رابطه داشتم و در همون حین فهمیدم که با معیارهای من خیلی متفاوت و وقتی دنبال معیارهام گشتم دیدم که این شخصیه که دنبالش می‌گشتم... رابطه تغییر نکرده، من متوجه یه سری چیزها شدم. سجاد می‌گوید: قبلاً فکر می‌کردم خشک و بی‌احساسم، ولی دیدم از خودش هم احساساتی‌ترم. صادق می‌گوید: مدت زیادی صرفاً رفیق بودیم و با هم وقت می‌گذروندیم. ولی یه جایی تو زندگیم نگاه کردم به خودم و دیدم که چیزی که بینمون هست باید بیشتر از این باشه پس با هم وارد یه رابطه شدیم.

حس مسئولیت: حسن می‌گوید: الان می‌فهمم که من هم می‌تونم یه سری کارها رو انجام بدم و مسئولیت داشته باشم. آرش می‌گوید: گفتم تو خیالت راحت باشه... من این کار [تایپ پروژه] رو انجام می‌دهم. اولین بار بود که حس می‌کردم دارم یه کار مهم رو انجام می‌دم. محمد می‌گوید: مسئول زندگی خودم خودمم... پدر و مادر من که نمی‌تونن برای من تصمیم بگیرن. اگر هم بگیرن تصمیم اشتباه می‌گیرن. میلاد می‌گوید: خودم هم [بعد از رابطه] قوی‌تر شدم. مثلاً رفتم به پدرم گفتم می‌خوام رشته‌م رو تغییر بدم... اگه قبلش بود نمی‌تونستم... اینقدر محکم گفتم که چیزی نگفت.

تفکر مثبت: تفکر مثبت به برداشتی که افراد نسبت به خود و ذهنیتی که از خود دارند و خصوصاً توانایی‌هایی که برای خود قائل هستند اطلاق می‌شود. به نظر می‌رسد که تفکر مثبت یکی از ویژگی‌های عشق نوجوانی است.

میشم می‌گوید: خیلی اصرار کردم ... می‌ارزید... خواهرم می‌گفت ولش کن... گفتم راضیش می‌کنم. آرش می‌گوید: گفتم تو خیالت راحت باشه... من این کار [تایپ پروژه] رو انجام می‌دهم. اولین بار بود که حس می‌کردم دارم یه کار مهم رو انجام می‌دم.

سیاوش می‌گوید: حتی به بعضی دوستانم هم توصیه کردم... گفتم با یه دختر دوست بشید. کار سختی نیست... همه چیز عوض میشه.

1. Ego

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفی، ادراک نوجوانان از عشق با روش پدیدارشناختی استعلایی موستاکاس (1994) بررسی شد و پنج مقولهٔ میل به تجربه‌های نو، جذابیت جسمی و روانی، دم‌غنیمت‌شماری، عدم تعهد، و هویت و خودشناسی به دست آمد. میل به تجربه‌های نو و گشودگی نسبت به تجربه به معنای امکان ایجاد فرصت‌ها و بینش‌های جدیدی است که قبلاً وجود نداشت. این امکانات عبارت است از ورود به رفتارها و رابطه‌های جدید که تامین‌کننده نیازهای فیزیولوژیک، امنیتی، تعلق/عشق، احترام و خودشکوفایی در نوجوانان باشد.

مضمون دیگر یعنی جذابیت شامل علاقه متقابلی است که بین دو نفر وجود دارد. این امر شامل پذیرش فیزیکی، عاطفی، فکری و روحی است. به نظر می‌رسد نوجوانان بر مبنای نیاز به عشق، احترام و درک متقابل به ایجاد رابطه با جنس مخالف روی می‌آورند. عدم وابستگی، مضمون دیگری بود که در گفته‌های اکثر مشارکت‌کنندگان وجود داشت. بر اساس مطالبی که در مصاحبه‌ها گفته شد، نوجوانان در این پژوهش تلاش داشتند وابستگی کمتری به شریک عاطفی خود داشته باشند یا حداقل وابستگی کمتری از خود نشان دهند. دلیل این امر از نظر آنها، آسیب‌های وابستگی بیش از حد و نامشخص بودن شرایط کنونی و آینده بود. با توجه به اینکه یکی از زیرمضمون‌های عدم وابستگی، عدم افراط در عشق ورزیدن یا تعلق خاطر باشد، به نظر می‌رسد تدریجاً نیازمند بازنگری در عشق مثلی استرنبرگ باشیم که یکی از مولفه‌های آن اشتیاق است.

مضمون دیگری که از مصاحبه‌ها استخراج شد، دم‌غنیمت‌شماری بود. «دم‌غنیمت‌شماری» به معنای تلاش برای لذت بردن از لحظه حال و تاکید کمتر بر آینده و طرح‌های درازمدت است. گفته‌های نوجوانان در این تحقیق نشان داد که آنها یکی از اصول زندگی یا معنای آن را استفاده از فرصت‌ها و خوش بودن در وضعیت کنونی می‌دانند و بر توجه کمتر به گذشته و آینده تاکید دارند. خودشناسی و هویت، مضمون دیگر این پژوهش بود که به ایجاد درک متفاوت از خود اطلاق می‌شود. نوجوانان در این پژوهش به شناخت متفاوتی از خود به موازات رابطه دست پیدا کرده بودند. با توجه به اینکه نوجوانان ایرانی تا پایان دبیرستان، در صحنه جامعه و به‌طور رسمی، چندان با جنس مخالف سروکار ندارند، این تجربه منحصر به فرد و جدید، به ایجاد برداشتی متفاوت از خودشان منجر می‌شود.

با توجه به پیش‌زمینه‌ها و یافته‌های این تحقیق، به نظر می‌رسد درک بهتر عشق رمانتیک در نوجوانی در حوزه روان‌شناسی اهمیت دارد و این روابط برای نوجوانان از ارزش و موضوعیت بالایی برخوردار هستند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری صحیح و برنامه ریزی منطبق با واقعیت برای نوجوانان مورد استفاده قرار بگیرد. پدیده عشق رمانتیک نوجوانی در آثار پژوهشی روان‌شناسی و رشته‌های مشابه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. تعدیل آسیب‌های این روابط می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا از نظر عاطفی سالم‌تر و نسبت به آسیب‌های روانی و اجتماعی مقاوم‌تر باشند.

در پژوهش‌های آتی بررسی رابطهٔ بین عشق نوجوانی با عواملی مانند شیوه‌های تعهد، وضعیت مالی، قومیت، سطح تحصیلات و معنویت، می‌تواند به شناخت بهتر نیازهای نوجوانان کمک کند. از آنجا که در این پژوهش تنها نوجوانان پسر مورد بررسی قرار گرفتند، انجام تحقیق مشابهی برای نوجوانان دختر ضروری به نظر می‌رسد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع در میان نویسندگان وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

از نوجوانان عزیزی که در این پژوهش شرکت کردند و از عمیق‌ترین موضوعات خود پرده برداشتند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

منابع

- ابدالی آقاگلی، ماهرخ؛ امینی ها، آزاده. (1401). بررسی تجارب روان شناختی دختران نوجوان سوگوار مادر: یک مطالعه کیفی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، 18(73)، 51-64.
- جلالی، یوسف؛ برجعلی، احمد؛ عسگری، محمد؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز. (1401). تحول هویت نوجوانان پسر ایرانی در بستر ضد روایت زندگی آنها: یک پژوهش کیفی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، 19(71)، 135-147.
- تقوی، نغمه؛ آزاد فلاح، پرویز؛ موتابی، فرشته؛ طلایی، ابراهیم. (1394). تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، 11(1)، 229-246.
- Beckmeyer, J. J., & Weybright, E. H. (2020). Exploring the associations between middle adolescent romantic activity and positive youth development. *Journal of Adolescence*, 80, 214–219.
- Brooks, A., (2020). *Love and Intimacy in Contemporary Society*. London: Routledge.
- Connolly, J., Shulman, S., & Benvenuto, K. (2023). Romantic relationships in adolescence and early adulthood. In L. J. Crockett, G. Carlo, & J. E. Schulenberg (Eds.). *APA handbook of adolescent and young adult development*, (pp. 243–258). American Psychological Association.
- Costa, P. J., & McCrae, R. R. (2008). The Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R). In G. J. Boyle, G. Matthews, D. H. Saklofske, G. J. Boyle, G. Matthews, & D. H. Saklofske (Eds.). *The SAGE handbook of personality theory and assessment, Vol 2: Personality measurement and testing* (pp. 179–198). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Homesath, C. W. (2016). *Falling out of Romantic Love*. Unpublished dissertation, Iowa State University.
- Kroger, J., Martinussen, M., & Marcia, J. (2010). Identity Status Change during Adolescence and Young Adulthood: A Meta-Analysis. *Journal of Adolescence*, 33, 683-698.
- Levesque, R. J. R. (1993). The romantic experience of adolescents in satisfying love relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 22(3), 219–251.
- McCarthy, B., & Casey, T. (2008). Love, Sex, and Crime: Adolescent Romantic Relationships and Offending. *American Sociological Review*, 73(6), 944–969.
- Maslow, A. H. (2014). *Toward psychology of being*. Floyd, VA: Sublime Books.
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Scalabrino, F. (2015). *Phenomenological Psychology*. Internet Encyclopedia of Philosophy.
- Schmid, K. L., & Lopez, S. (2011). Positive pathways to adulthood. *Advances in Child Development and Behavior*, 41, 69–88.
- Sumter, S., & Valkenburg, P., & Peter, J. (2013). Perceptions of love across the lifespan Differences in passion, intimacy, and commitment. *International Journal of Behavioral Development*, 37, 417-427.
- Taba, M., Lewis, L., Cooper Spring, Ch., Albury, K., Chung Kon Shing, K., Lim, M., Bateson, D., Kang, M., & Skinner, S. R. (2020). What adolescents think of relationship portrayals on social media: A qualitative study. *Sexual Health*, 17, 467-474.
- Van der Zanden, P. J. A. C., Meijer, P. C., & Beghetto, R. A. (2020). A review study about creativity in adolescence: Where is the social context? *Thinking Skills and Creativity*, 38, 1-18.
- Vaterlaus, J. M., Tulane, S., Porter, B. D., & Beckert, T. E. (2018). The Perceived Influence of Media and Technology on Adolescent Romantic Relationships. *Journal of Adolescent Research*, 33(6), 651–671.
- Verhoeven, M., Poorthuis, A.M.G. & Volman, M. (2019). The role of school in adolescents' identity development: A literature review. *Educational Psychology Review*, 31, 35–63.